

مطالعه‌ی ساختار قدرت در خانواده (مطالعه‌ی موردی: شهر لار)

حلیمه عنایت*، منصوره دسترنج**

چکیده: هدف اصلی مقاله‌ی حاضر، مطالعه عواملی است که می‌تواند در ساخت قدرت در خانواده مؤثر باشد. در این مطالعه که به روش پیمایش انجام می‌شود، ۳۰۷ نفر از زنان متأهل شهر لار مطالعه می‌شوند. چارچوب نظری مورد استفاده در این مطالعه، نظریه‌ی مبادله است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۲ درصد خانواده‌ها ساخت دموکراتیک دارند، ۸۸/۶ درصد تا حدی دارای ساخت دموکراتیک‌اند و در ۹/۴ درصد خانواده‌ها ساخت غیر دموکراتیک حاکم است. از میان متغیرهای مورد مطالعه، متغیرهای سن ازدواج، تحصیلات زن، تحصیلات همسر، درآمد زن، طول مدت ازدواج، بعد خانوار و وضعیت اشتغال زن با متغیر وابسته رابطه‌ی معنادار آماری دارند. در تحلیل چندمتغیره نیز متغیرهای مستقل موجود در مدل تحقیق، در کل ۶/۹ درصد از واریانس متغیر وابسته را در جامعه‌ی آماری تبیین می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: ساختار قدرت، خانواده، زنان، الگوی تصمیم‌گیری، شیوه‌ی اعمال قدرت.

مقدمه و طرح مسئله

خانواده یکی از دیرپاترین نهادهای اجتماعی است. به عقیده‌ی بسیاری از صاحب‌نظران، خانواده تاریخی به قدمت حیات اجتماعی انسان دارد. به لحاظ اهمیت و نقشی که این نهاد در سلامت و تداوم زندگی اجتماعی دارد، همواره یکی از موضوع‌های مورد علاقه و توجه اندیشمندان اجتماعی بوده و هر متفکر اجتماعی به فراخور تخصص و زمینه‌ی فکری خویش به اندیشه و پژوهش در ابعاد مختلف آن پرداخته است.

خانواده نیز همچون سایر نهادهای تشکیل‌دهنده‌ی جامعه، در طول تاریخ دچار دگرگونی‌های ژرفی شده است. یکی از این دگرگونی‌ها در ساخت خانواده، به‌خصوص کنش متقابل میان زن و شوهر، تغییر در مفهوم نقش است. دگرگونی‌های اجتماعی و تحول در الگوهای زندگی جوامع شهری و ورود زنان به اجتماع،

ha_enayate@Yahoo.com

* استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

Dastrang_mansoorreh@yahoo.com

** دستیار علمی دانشگاه پیام‌نور لارستان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۱/۲۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۰۸/۰۹

۱۰۸ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۱، بهار ۱۳۸۹

موجب تغییر و تحول در نگرش افراد در توزیع نقش‌ها و به تبع آن، توزیع قدرت در خانواده شده است. چگونگی تقسیم قدرت در خانواده بین زن و شوهر، با کمیّت و کیفیت خوشبختی زوج‌ها و احساس عادلانه بودن قدرت رابطه دارد (سایینی^۱، ۱۹۹۵).

لنسکی و لنسکی^۲ بر این عقیده‌اند که جریان صنعتی شدن و تخصصی شدن امور در جامعه‌های جدید و صنعتی، بخشی مهم از مسئولیت‌های خدماتی و تولیدی خانه و خانواده را به سازمان‌های دیگر انتقال داده است. از دیگر سو، جریان این توسعه، ساختار سنتی خانواده را از لحاظ اقتدار حاکم بر آن سست کرده است. پدر خانواده دیگر همان رئیس مرسوم در جوامع کشاورزی محسوب نمی‌شود. یکی دیگر از علل مهم افت اقتدار خانواده را می‌توان به جهان‌بینی مردم‌سالاری رایج در جوامع صنعتی دانست که بیشتر بر حقوق فردی تأکید دارند. بدین‌گونه روند مردم‌سالاری به همان سان که نقش‌های سنتی نهادهای سیاسی-اقتصادی دگرگون ساخت، نقش خانواده را در جامعه نیز تغییر داد (گیدنز^۳، ۱۳۷۳).

تأثیر تحولات صنعتی شدن بر خانواده، به‌ویژه در زمینه‌ی تحول روابط سنتی اقتدار و تغییر نقش سنتی زنان از همه‌ی ابعاد مشهورتر است. در سراسر تاریخ مدون بشری، وظیفه‌ی اصلی زنان عبارت بود از: بارداری در سال‌های جوانی، نگهداری از نوزادان، انجام تکالیف خانگی، نگهداری از مزرعه و مانند آن (لنسکی و لنسکی، ۱۳۶۹).

نخستین نشانه‌های دگرگونی در نقش زنان، در قرن نوزدهم میلادی در اروپا پدیدار شد. به‌طور کلی این دگرگونی‌ها از یک سو بر آگاهی زنان نسبت به حقوق فردی و اجتماعی خود تأثیر گذاشت و از سوی دیگر، باعث ایجاد تغییراتی در نگرش سنتی مردان نسبت به توانایی‌ها و نقش زنان در خانواده و جامعه شد. به‌دنبال این دگرگونی‌ها، ساختار خانواده از بعدهاى مختلف، به‌ویژه از لحاظ توزیع قدرت و نوع اقتدار حاکم بر آن و هم‌چنین از نظر تقسیم کار سنتی دست‌خوش دگرگونی شد (میشل^۴، ۱۳۵۴).

بر اثر این تغییر و تحولات، جامعه به‌تدریج از الگوی جامعه‌ی کشاورزی به صنعتی تغییر یافت. بنابراین، هم کارکردها و هم اقتدار خانواده همراه با آن دگرگون شد (ساروخانی، ۱۳۷۴: ۵۴). با نظر به این تحولات در

1. Sabini

2. Lenskis and lenskis

3. Giddens

4. Michel

مطالعه‌ی ساختار قدرت در خانواده (مطالعه موردی: شهر لار) ۱۰۹

جوامع گذار، نظیر کشور ما، ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر بیشتر احساس می‌شود. چه این که زنان دیگر به برداشت الگوهای رفتار سنتی از نقش خود بسنده نکنند و انتظارات و نقش‌هایی جدید را بر خود مترتب بدانند. این مطالعه در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال‌هاست: ساختار توزیع قدرت در خانواده چگونه است؟ بدین معنا، میزان دموکراتیک بودن خانواده چقدر است؟ عوامل مؤثر بر کم و کیف دموکراتیک بودن خانواده در چیست؟ به‌طور خلاصه هدف از این تحقیق، مطالعه توزیع قدرت در خانواده از دید زنان و عوامل مؤثر بر آن است. بررسی این موضوع می‌تواند ما را در شناخت بهتر خانواده یاری دهد که تداوم حیات اجتماعی و حفظ انتقال ارزش‌ها بر عهده‌ی آن است. از سوی دیگر، چنین پژوهش‌هایی می‌تواند در شناسایی عوامل و شرایطی که باعث کاهش تبعیض‌های جنسی در جامعه می‌شود، راه‌گشا باشد.

مبانی نظری

مروری بر مطالعات پیشین

عنایت در تحقیقی که در سال ۱۳۶۷ در زمینه‌ی تأثیر اشتغال زنان بر روابط خانوادگی در شهر شیراز انجام داده به این نتیجه رسید است که اشتغال زنان منجر به تغییراتی در روابط خانوادگی می‌شود. اشتغال زن در خارج از خانه همراه با دیگر ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی زن و شوهر موجب شده است تا روابط خانوادگی از قالب سنتی خود بیرون آید. مثلاً بالا رفتن تحصیلات زن و مرد، تشریک مساعی، هماهنگی و تفاهم آن‌ها را در زندگی خانوادگی افزایش می‌دهد. بر اساس یافته‌های این تحقیق، ساخت قدرت در خانواده نیز تحت تأثیر این عوامل دگرگون می‌شود و با بالا رفتن میزان سواد زن و اشتغال او در خارج از خانه، سهم او در تصمیم‌گیری‌های مهم افزایش می‌یابد.

ذوالفقارپور و همکاران در تحقیقی که در سال ۱۳۸۳ در زمینه‌ی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با رضایت‌مندی زناشویی زنان در شهر تهران انجام داد به این نتیجه رسید که بین ساختار قدرت در خانواده با: ۱- رضایت‌مندی زناشویی بین زنان و ۲- تحصیلات شوهر ارتباط وجود دارد و فرضیه‌ی دیگر مبنی بر تفاوت ساختار قدرت بین خانواده‌هایی که زن و شوهر هر دو شاغلند و خانواده‌هایی که در آن زن، خانه‌دار است نیز تأیید شد.

۱۱۰ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۱، بهار ۱۳۸۹

یافته‌های پژوهش *آندره میشل* در سال ۱۹۶۶ نشان داد که کار رایگان زنان (کار بدون درآمد) سبب افزایش اقتدار زن در خانه نمی‌شود. از طرف دیگر، او دریافت که با افزایش تخصص زنان شاغل، موفقیت آن‌ها در توازن قدرت بین زوج‌ها بهتر می‌شود. در این میان، سطح درآمد زن، به‌ویژه در مقایسه با درآمد مرد، عاملی تعیین‌کننده بود (به نقل از سگالن، ۱۳۷۰).

فاکس^۵ در سال ۱۹۷۳ در شهر آنکارای ترکیه، به مطالعه عوامل مؤثر بر توازن قدرت در خانواده‌های ترک پرداخت. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که افزایش سطح تحصیلات زنان، شهرنشینی و اشتغال در بخش‌های غیر کشاورزی باعث کاهش قدرت مطلقه‌ی مردان در خانواده می‌شود.

سها^۶ در سال ۱۹۸۹ با هدف مطالعه عوامل مؤثر بر الگوی تصمیم‌گیری در بین خانواده‌های یک ناحیه‌ی تازه توسعه‌یافته‌ی بنگلادش مطالعه‌ای انجام داد. بر اساس نتایج این تحقیق، عوامل شهری شدن، نوسازی و تغییر نظام خانواده در دگرگونی الگوی تصمیم‌گیری سنتی در خانواده بسیار مؤثر بوده است.

بایری و دیگران در سال ۱۹۹۱ در شهر تریپولی، بر روی ۲۰۰ نفر از مردان لیبیایی مطالعه‌ای انجام دادند. در این تحقیق، تأثیر سن، تحصیلات، نوع خانواده، زمینه‌ی شهری یا روستایی بودن، درآمد و درجه‌ی مذهبی بودن بر روی نگرش مردان نسبت به تغییر نقش‌های سنتی زنان مطالعه شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که مردان جوان با تحصیلات بالا نسبت به تغییر نقش‌های سنتی زنان و مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و تصمیم‌گیری‌های درون خانواده نگرشی مثبت دارند.

نهاد خانواده و مطالعه در خصوص قدرت در خانواده از مسائلی است که توجه محققان یا دیدگاه‌های مختلف را به‌خود اختصاص داده است. یکی از دیدگاه‌های مهم که در جامعه‌شناسی به قدرت توجه کرده، *رهیافت مبادله* است تا آن‌جا که ترنر معتقد است که قدرت، یکی از مفاهیم محوری *تئوری مبادله*^۷ است (ترنر، ۱۹۸۳). اساس نظریه‌ی مبادله درباره‌ی قدرت در این است که نابرابری در منابع تولید باعث تمایز و تفاوت در قدرت در میان کنش‌گران می‌شود (همان منبع).

یکی از آثار قابل توجه و متأثر از رهیافت مبادله در زمینه‌ی ارتباط با قدرت نسبی و عرضه‌ی خدمات در گروه‌های کوچک، بالاخص تجربی، مطالعات بلاد و ولف در زمینه‌ی توازن قدرت بین زن و شوهر

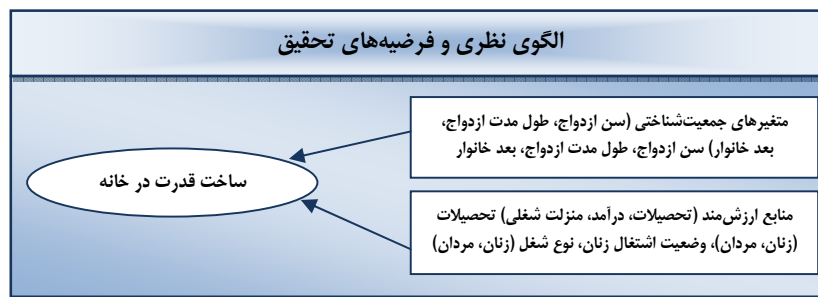
5. Fox

6. Saha

7. Exchange Theory

مطالعه‌ی ساختار قدرت در خانواده (مطالعه موردی: شهر لار) ۱۱۱

بوده است (والاس و ولف^۸، ۱۹۸۶). دیدگاه بلاد و ولف به‌نام نظریه‌ی منابع^۹ معروف است. این نظریه بر اساس رهیافت مبادله، توزیع قدرت بین زن و شوهر را در تصمیم‌گیری‌ها تبیین می‌کند (بلاد^{۱۰}، ۱۹۶۹). تئوری منابع به‌طور کلی بر پایه‌ی این فرض قرار دارد که هر چه منابعی که شخص در اختیار دارد بیشتر باشد از قدرتی بیشتر نیز برخوردار است. بر اساس این نظریه فرض می‌شود که سطح تحصیلات، درآمد، پایگاه شغلی، سن و طول مدت ازدواج از متغیرهایی به شمار می‌روند که بر روی توزیع قدرت در خانواده تأثیر می‌گذارند (بلاد و ولف^{۱۱}، ۱۹۶۰).



- برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های پژوهش، فرضیه‌های تحقیق به‌شرح زیر ارائه می‌گردد:
- بین برخورداری از منابع ارزش‌مند و ساخت قدرت در خانه رابطه وجود دارد.
 - بین متغیرهای جمعیتی و ساخت قدرت در خانه رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق به روش پیمایش^{۱۲} انجام شده و واحد تحلیل در آن، خانواده است. جامعه‌ی آماری این مطالعه بنا بر ضرورت موضوع و مسئله، شامل زنان متأهل بوده است و با استفاده از روش فرمول کوکران، تعداد ۳۰۷ نفر به‌عنوان حجم نمونه مشخص شد. شیوه‌ی نمونه‌گیری بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای بوده است.

⁸. Wallace and Wolf
⁹. Resource Theory
¹⁰. Blood
¹¹. Blood and Wolf
¹². Survey

مراحل انتخاب نمونه با تجزیه‌ی دو یافت قدیم و جدید به محله‌ها، محله‌ها به بلوک‌ها، بلوک‌ها به خیابان‌ها و نهایتاً به کوچه‌ها و منازل بوده است.

برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه استفاده شده است. این پرسش‌نامه دارای روایی صورتی^{۱۳} است، بدین صورت که سؤال‌های پرسش‌نامه به چندین تن از استادان بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز برای داوری ارائه شد. برای اطمینان یافتن از پایایی^{۱۴} سؤال‌های پرسش‌نامه، از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج گویای آن بود که ضریب آلفای کرونباخ^{۱۵} برای طیف‌های تصمیم‌گیری (با ۱۲ گویه) ۰/۸۱۳۶، شیوه‌ی اعمال قدرت (با ۱۰ گویه) ۰/۷۹۰۶ و ساخت قدرت (با ۲۲ گویه) ۰/۷۳۶۶ بوده است. اطلاعات جمع‌آوری‌شده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS با توجه به سطوح سنجش، در دو سطح توصیف (توزیع درصد و فراوانی) و تبیین (آزمون مقایسه‌ی میانگین یا آزمون T، تحلیل واریانس یا آنوا^{۱۶}، رگرسیون دو و چندمتغیره) پردازش گردید.

در تعریف متغیر وابسته‌ی ساخت قدرت در خانواده باید عنوان کرد که منظور از ساخت، الگوهای نظام یافته از روابط بین افراد یا موقعیت‌های اجتماعی است. منظور از قدرت^{۱۷}، در معنای عام آن، توانایی کنترل بر اعمال سایر افراد با وجود میل‌شان است (هورتن^{۱۸}، ۱۹۷۳؛ برون^{۱۹}، ۱۹۹۴). معنایی که جامعه‌شناسان برای تعریف قدرت به کار برده‌اند برگرفته از اندیشه‌ی وبر است. وبر قدرت را رابطه‌ای اجتماعی می‌داند که فرد در موقعیتی است که می‌تواند خواست خود را با وجود هر مقاومتی اعمال کند (وبر، ۱۳۷۳؛ بلومن^{۲۰}، ۱۹۸۴؛ بلا (۱۹۶۴). بر اساس این تعریف، می‌توان هسته‌ی اصلی قدرت را در وادار کردن به رفتار با وجود میل فرد دید. بسیاری از محققان بر روی مفهوم قدرت در خانواده توافقی ندارند، اما صرف‌نظر از اختلافات موجود، وجه تصمیم‌گیری^{۲۱} را به نمایندگی از مفهوم قدرت در خانواده به کار برده‌اند (آبوت^{۲۲}، ۱۹۹۳؛ ایسون^{۲۳}، ۱۹۹۱).

13. Face Validity

14. Reliability

15. Cronbach Coeficient Alpha

16. Independent Sampel T-Test & Anova

17. Power

18. Horton

19. Browne

20. Bluman

21. Decision Making

22. Abboutt

23. Isvan

مطالعه‌ی ساختار قدرت در خانواده (مطالعه موردی: شهر لار) ۱۱۳

ایسوان برای مشاهده‌ی قدرت در خانواده به این ابعاد توجه می‌کند: قدرت تصمیم‌گیری در تعیین موالید، قدرت تصمیم‌گیری در امور اجتماعی، قدرت تصمیم‌گیری در امور اقتصادی و استقلال در خانواده (ایسوان، ۱۹۹۱)، در حالی که فرانکس برای تعیین حوزه‌های قدرت در خانواده به ابعادی دیگر اشاره می‌کند. از نظر او، قدرت زن و شوهر دارای چندین حوزه‌ی تصمیم‌گیری است. به این معنا که در زمینه‌ی هزینه کردن پول، خرید امکانات برای خانواده و تربیت فرزندان چه کسی حرف آخر را می‌زند (فرانکس^{۲۴}، ۱۹۷۲). از طرفی برخی از جامعه‌شناسان، بر اساس یافته‌ها، نحوه‌ی اعمال قدرت و وادار کردن افراد به انجام امور در خانواده را طبقه‌بندی کرده‌اند (ویگینز^{۲۵}، ۱۹۹۴).

در این تحقیق دو شاخص برای سنجش قدرت در نظر گرفته شده است. این دو شاخص عبارتند از الگوی تصمیم‌گیری (با ۱۲ گویه) و شیوه‌ی اعمال قدرت (با ۱۰ گویه) که در قالب طیف لیکرت سنجیده شده و با تجمع دو بعد الگوی تصمیم‌گیری و شیوه‌ی اعمال قدرت، شاخص کل ساختار قدرت (با ۲۲ گویه) مطالعه شده است. برخی متغیرهای مستقل نیز شامل متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن ازدواج، طول مدت ازدواج، بعد خانوار) و منابع ارزش‌مند (تحصیلات، منزلت شغلی، درآمد) است.

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی پاسخ‌گویان که ۳۰۷ نفر بودند، شامل؛ میزان تحصیلات خود و همسر، بعد خانوار، وضعیت اشتغال و مدت ازدواج پاسخ‌گویان در جدول شماره‌ی (۱) آمده است.

جدول (۱): ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی پاسخ‌گویان بر حسب درصد

ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی پاسخ‌گویان (درصد)								
وضعیت اشتغال پاسخ‌گویان		همسر پاسخ‌گویان	پاسخ‌گویان	میزان تحصیلات	بعد خانوار (نفر)		مدت ازدواج پاسخ‌گویان (سال)	
۲۱/۸	شاغل	۷/۵	۴/۶	ابتدایی	۱۱/۷	بدون فرزند	۱۸/۶	۰-۵
		۳۰	۲۷	راهنمایی و متوسطه	۵۴/۱	۳-۴	۲۳/۱	۶-۱۰
۷۸/۲	خانه‌دار	۴۰/۴	۵۰/۸	دیپلم و فوق‌دیپلم	۲۵/۷	۵-۶	۱۸/۲	۱۱-۱۵
		۲۲/۱	۱۷/۶	لیسانس و بالاتر	۸/۵	۷ و بیشتر	۱۴/۷	۱۶-۲۰
۱۰۰	جمع	۱۰۰	۱۰۰	جمع	۱۰۰	جمع	۲۵/۴	۲۱ و بالا
								جمع

²⁴ . Franks

²⁵ . Wiggins

۱۱۴ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹

جدول (۲) نتایج مربوط به اظهارات پاسخ‌گویان درباره‌ی حوزه‌های تصمیم‌گیری بین زن و مرد را بر حسب درصد نشان می‌دهد.

جدول (۲): نتایج مربوط به اظهارات پاسخ‌گویان درباره‌ی حوزه‌های

تصمیم‌گیری بین زن و مرد

میانگین	حوزه‌ی تصمیم‌گیری و وزن طیف					گویه
	۱ فقط خودم	۲ اغلب خودم	۳ مشترک	۴ اغلب شوهرم	۵ فقط شوهرم	
۳/۲۸	۰/۷	۳/۹	۶۹/۱	۱۹/۹	۶/۵	عوض کردن منزل
۳/۴۳	۴/۲	۱۲/۱	۲۶/۷	۵۰/۵	۶/۵	چگونگی مصرف دخل و خرج روزانه
۳/۶۴	۰/۷	۱/۰	۴۵	۴۰/۷	۱۲/۷	خرید ماشین
۲/۶۹	۲/۹	۳۰/۳	۶۲/۹	۲/۳	۱/۶	خرید وسایلی مانند فرش و یخچال
۲/۵۳	۳/۹	۴۱/۴	۵۲/۴	۲/۳	-----	رفتن به دیدن اقوام
۲/۶۶	۳/۹	۲۷/۴	۶۷/۴	۱/۳	-----	مهمانی گرفتن در منزل
۱/۵۶	۵۵/۴	۳۳/۲	۱۱/۴	-----	-----	تهیه خوراک (پخت‌وپز)
۲/۹۴	۲/۰	۸/۸	۸۴	۳/۹	۱/۳	انتخاب اسم برای فرزندان
۳/۰۲	۴/۹	۲۹/۳	۲۷/۴	۳۶/۲	۲/۳	بازخواست کردن فرزندان مثل دیر آمدن
۳/۱۰	۳/۶	۲۷/۰	۲۸/۷	۳۶/۸	۳/۹	تنبیه فرزند در صورت لزوم
۳/۲۳	۱/۰	۷/۸	۵۹/۰	۳۱/۳	۱/۰	استفاده از تلویزیون و برنامه‌ها
۳/۰۴	۰/۳	۰/۷	۹۵/۱	۲/۶	۱/۳	ازدواج فرزند با فرد مورد نظر

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود از میان دوازده حوزه تصمیم‌گیری فقط درحوزه پخت و پز بالاترین درصد (۵۵/۴) زنان تصمیم‌گیرنده هستند. در دو حوزه مربوط به تنبیه فرزندان نیز بالاترین درصد مربوط به شوهران می‌باشد و در سایر حوزه‌ها از جمله؛ استفاده از تلویزیون و برنامه‌ها، عوض کردن منزل، خرید وسایلی مانند فرش و یخچال، رفتن به دیدن اقوام، مهمانی گرفتن در منزل، انتخاب اسم برای فرزندان و چگونگی مصرف دخل و خرج روزانه تصمیم‌ها به‌صورت اشتراکی گرفته می‌شود.

مطالعه‌ی ساختار قدرت در خانواده (مطالعه موردی: شهر لار) ۱۱۵

جدول (۳) نتایج مربوط به اظهارات پاسخ‌گویان درباره‌ی میزان مجاب‌سازی شوهر را بر حسب درصد نشان می‌دهد.

جدول (۳): نتایج مربوط به اظهارات پاسخ‌گویان درباره‌ی میزان مجاب‌سازی شوهر

میانگین	شیوه‌ی اعمال قدرت و وزن طیف					
	۱ کاملاً مخالف	۲ مخالف	۳ بینابین	۴ موافق	۵ کاملاً موافق	
۲/۶۸	۲/۷۳	۱۱/۳۵	۲۰/۶۴	۴۶/۱۴	۲۸/۵	زمانی که می‌خواهد کاری برایش انجام دهم، معمولاً دلیل قانع‌کننده می‌آورد.
۲/۹۵	۴/۱۵	۳۱/۹۸	۳۱/۹۸	۲۵/۷۹	۵/۱۷	نسبت به تصمیم‌هایی که می‌گیرد چندان انتقادپذیر نیست.
۲/۵۵	۱۱/۳۶	۴۰/۱۲	۳۳/۱۰	۱۰/۳۱	۴/۱۳	در خانواده‌ی ما رسم بر این است که زن از شوهرش حرف‌شنوی کامل داشته باشد.
۲/۳۷	۱۳/۴۱	۵۰/۱۵	۲۲/۷۰	۱۱/۳۴	۲/۶۰	در تصمیماتی که می‌گیرد از من انتظار دارد فقط به حرفش گوش دهم و کاری به کارش نداشته باشم.
۲/۴۴	۹/۲۹	۵۳/۱۶	۲۱/۶۷	۱۳/۴۰	۲/۶۰	همیشه در انجام خواسته‌هایش پافشاری و سخت‌گیری از خود نشان می‌دهد.
۳/۲۳	۱/۵۶	۸/۲۷	۱۸/۵۷	۵۳/۱۶	۱۷/۵۵	اگر اشتباهی از آدم سر بزند معمولاً آدم را سرزنش و به او توهین نمی‌کند.
۳/۷۷	۴/۱۵	۲۸/۸۸	۳۷/۱۱	۲۵/۷۹	۳/۱۱	اگر ثابت شود که اشتباهی کرده است کمتر زیر بار می‌رود.
۲/۴۰	۱۰/۳۲	۵۵/۱۷	۲۰/۶۲	۱۱/۳۵	۲/۸۶	معمولاً برای این که کاری انجام گیرد، بیش از اندازه دلیل‌تراشی می‌کند.
۲/۴۹	۱۲/۳۷	۴۵/۱۳	۲۸/۸۷	۱۱/۳۵	۳/۱۰	آدمی است که نمی‌خواهد حرف روی حرفش باشد.
۳/۶۵	۲/۷۳	۹/۲۹	۲۸/۸۷	۴۱/۱۲	۱۸/۵۸	در زندگی مشترکمان خیلی کم اتفاق افتاده است که با عصبانیت از من کاری را بخواهد.

برای یافتن میزان شوهرمحوری در خانواده، نمره‌های هر یک از گویه‌های ارایه‌شده در جدول (۲) برای هر یک از پاسخ‌گویان جمع کرده ایم تا این شاخص به‌دست آید. نتایج به‌دست‌آمده از شاخص مذکور در جدول (۴) نشان می‌دهد که میزان شوهرمحوری، ۸/۸ درصد زیاد، ۸۶/۶ درصد متوسط و ۴/۶ درصد کم است. همچنین داده‌های جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که فراوانی و درصد در مورد میزان مجاب‌سازی شوهر در شیوه‌ی اعمال قدرت، ۱۹/۲ درصد زیاد، ۶۶/۸ درصد متوسط و ۱۴ درصد کم است.

برای مطالعه شاخص کل ساختار توزیع قدرت در خانواده، نمره‌های هر یک از گویه‌های ابعاد دوگانه‌ی ساختار توزیع قدرت (میزان شوهرمحوری، میزان مجاب‌سازی) را با یکدیگر جمع کردیم تا نمره‌ی هر یک از پاسخ‌گویان را برای کل شاخص به‌دست آوریم. همان‌گونه که داده‌های جدول نشان می‌دهد، ساخت قدرت در خانواده، ۲ درصد دموکراتیک، ۸۸/۶ درصد بینابین و ۹/۴ درصد اقتدارگرایانه است.

۱۱۶ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹

جدول (۴): میزان شاخص مجاب‌سازی شوهر

ساخت قدرت در خانواده			مجاب‌سازی		شوهرمحوری		
درصد	فراوانی	میزان طبقه‌بندی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	میزان طبقه‌بندی
۲	۶	دموکراتیک	۱۹/۲	۵۹	۸/۸	۲۷	زیاد
۸۸/۶	۲۷۲	بینابین	۶۶/۸	۲۰۵	۸۶/۶	۲۶۶	تا حدودی
۹/۴	۲۹	اقتدارگرایانه	۱۴	۴۳	۴/۶	۱۴	کم
۱۰۰	۳۰۷	جمع	۱۰۰	۳۰۷	۱۰۰	۳۰۷	جمع

همان‌گونه که در جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود، برای دریافت تفاوت معناداری بین میانگین نمرات زنان شاغل و خانه‌دار از آزمون تی مستقل استفاده کرده‌ایم. مقدار $t=0/220$ با سطح معناداری $sig=0/035$ گویای آن است که تفاوتی معنادار بین میانگین‌های مشاهده‌شده وجود دارد و فرضیه‌ی ما در سطح بیش از ۹۵ درصد اطمینان قابل تأیید است. این امر بیان‌گر یک نوع همبستگی معناداری بین استقلال شغلی و ساخت قدرت در خانواده در میان زنان بوده است. اشتغال زنان را باید به‌عنوان یکی از منابعی دانست که سبب افزایش قدرت و نفوذ زنان و ارتقای جای‌گاه آن‌ها در جامعه می‌شود، به‌ویژه آن‌که زنان شاغل به‌دلیل استقلال مالی در مقایسه با زنان خانه‌دار از قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در خانواده برخوردار هستند. به‌عبارتی؛ ساخت قدرت در خانواده‌های زنانی که شاغل هستند نسبت به زنانی که شاغل نیستند دموکراتیک‌تر است.

جدول (۵): آزمون تفاوت میانگین ساخت قدرت در خانواده بر حسب وضعیت اشتغال زنان

Sig	مقدار t	اشتباه استاندارد	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	آزمون وضعیت اشتغال	
						شاغل	خانه‌دار
0/035	0/220	0/995	8/15	61/71	67	شاغل	۳۰۷
		0/440	6/82	61/50	240	خانه‌دار	

به‌منظور مطالعه رابطه‌ی نوع شغل زنان با ساخت قدرت در خانواده از تحلیل واریانس استفاده کرده‌ایم. با توجه به مقدار F به‌دست‌آمده از تحلیل واریانس نمره‌های پاسخ‌گویان و سطح معناداری $sig=0/461$ ، تفاوت میان میانگین‌ها رد می‌شود. بنابراین، فرضیه‌ی وجود رابطه بین نوع شغل زنان و ساخت قدرت در خانواده نیز رد می‌شود. جدول شماره (۶) نشان‌دهنده‌ی تفاوت میانگین نمره‌ی ساختار قدرت در خانواده بر

مطالعه‌ی ساختار قدرت در خانواده (مطالعه موردی: شهر لار) ۱۱۷

حسب نوع شغل همسر است. با توجه به مقدار F به دست آمده و سطح معناداری $۰/۰۸۳$ ، تفاوت میانگین-ها به لحاظ آماری معنادار نیست.

جدول (۶): تحلیل واریانس ساخت قدرت در خانواده با نوع شغل زنان و شغل همسر

عنوان شغل	آزمون	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	اشتباه استاندارد	مجموع مجذورات	مقدار f	سطح معناداری Sig
خانواده	خانه‌دار	۲۴۰	۶۱/۵۰	۶/۸۲	۰/۴۴۰	۱۳۱/۳۷	۰/۸۶۳	۰/۴۶۱
	معلم	۲۴	۶۰/۵۰	۷/۱۶	۱/۴۶			
	کارمند	۳۶	۶۲/۹۷	۸/۹۱	۱/۴۸			
	آزاد	۷	۵۹/۴۲	۷/۰۲	۲/۶۵			
	جمع	۳۰۷	۶۱/۵۴	۷/۱۱	۰/۴۰۶			
همسر	کارمند	۸۵	۶۰/۶۹	۷/۶۶	۰/۸۳	۳۳۷/۸	۲/۲۵	۰/۰۸۳
	کارگر	۱۰	۵۸/۴۰	۶/۰۰	۱/۸۹			
	آزاد	۱۷۹	۶۲/۳۶	۶/۹۱	۰/۵۱۶			
	فرهنگی	۳۳	۶۰/۳۴	۶/۶۰	۱/۱۵			
	جمع	۳۰۷	۶۱/۵۴	۷/۱۱	۰/۴۰۶			

فرضیه‌ی بعدی این مطالعه، رابطه‌ی بین سن ازدواج زنان و ساخت قدرت در خانواده است که برای بررسی آن از رگرسیون استفاده کردیم. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که سن ازدواج ۱۱ درصد با متغیر وابسته همبستگی دارد. ضریب تعیین R^2 نشان می‌دهد که ۱/۲ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط سن ازدواج قابل تبیین است که این ضریب برای تعمیم به کل جامعه‌ی مورد مطالعه ۰/۹ درصد است. ضریب بتا $Beta = -۰/۱۱۰$ جهت منفی و معکوس رابطه‌ی دو متغیر را نشان می‌دهد. ضریب $B = -۰/۲۰۹$ گویای آن است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (سن ازدواج)، ۰/۲۰۹ واحد از متغیر وابسته (ساخت قدرت) کاسته می‌شود. هم‌چنین مقدار $F = ۳/۷۰$ در سطح معناداری $۰/۰۵۵$ نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی معنادار میان سن ازدواج و ساختار قدرت در خانواده است.

رابطه‌ی طول مدت ازدواج با متغیر وابسته نیز در جدول شماره (۷) انعکاس یافته و گویای وجود همبستگی پایین ($R = ۰/۲۰۰$) میان این دو متغیر است. مقدار $R^2 = ۰/۰۴۰$ نشان می‌دهد که متغیر طول مدت ازدواج تنها ۴ درصد از واریانس متغیر وابسته را در نمونه‌ی مورد مطالعه و ۳/۷ درصد واریانس متغیر وابسته را در کل جامعه‌ی آماری تبیین می‌کند. مقدار ضریب بتا $Beta = ۰/۲۰۰$ گویای وجود رابطه‌ی

۱۱۸ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹

مثبت و مستقیم میان دو متغیر بالا است. مقدار $B=0/174$ گویای آن است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل، $0/174$ واحد به متغیر وابسته اضافه می‌شود. مقدار $F=12/67$ و سطح معناداری $Sig=0/000$ ، رابطه‌ی میان دو متغیر را معنادار می‌داند، بنابراین این فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیه‌ی ششم بیان‌گر رابطه‌ی تحصیلات زن و ساخت قدرت در خانواده است. طبق نتایج به دست آمده که در جدول مشهود است، تحصیلات زن $22/8$ درصد با متغیر وابسته همبستگی دارد. مقدار ضریب $R^2=0/052$ حاکی از آن است که متغیر تحصیلات زن قادر به توضیح $5/2$ درصد از واریانس متغیر وابسته در جمعیت نمونه است. جهت رابطه منفی است. به عبارتی؛ با افزایش سطح تحصیلات زن، اقتدار در خانواده افزایش می‌یابد. از سویی، سطح تحصیلات زن به عنوان یک منبع ارزش‌مند نقشی بسیار محوری دارد و از سوی دیگر موجب تغییر نگرش زنان نسبت به الگوهای سنتی و نقش‌های مورد انتظار از زنان می‌شود. با توجه به مقدار F و سطح معناداری به دست آمده، فرضیه‌ی وجود رابطه میان تحصیلات زنان و ساخت قدرت در خانواده تأیید می‌شود.

در جدول شماره (۷) نتایج تحلیل رگرسیون بین درآمد زن و ساخت قدرت در خانواده مشاهده می‌شود. مقدار ضریب همبستگی پیرسون $R=0/329$ نشان از رابطه‌ی ضعیف میان درآمد و ساخت قدرت در خانواده دارد. همبستگی جزئی بین درآمد و ساخت قدرت در خانواده نشان می‌دهد که بخش زیادی از این رابطه با متغیرهایی نظیر سطح تحصیلات زن و اشتغال زنان ارتباط داشته است. همان‌طور که مقدار $R^2=0/108$ نشان داده است، درآمد $10/8$ درصد از واریانس متغیر وابسته را در جمعیت نمونه تعیین می‌کند. این مقدار برای جامعه‌ی آماری 10 درصد است. جهت رابطه مثبت است. به عبارتی؛ با افزایش درآمد، میزان دموکراتیک بودن خانواده افزایش می‌یابد. مقدار F با سطح معناداری $0/000$ ، نشان‌دهنده‌ی رد فرضیه‌ی صفر یعنی وجود رابطه‌ی معنادار میان دو متغیر مذکور است.

رابطه‌ی تحصیلات همسر با متغیر وابسته (ساخت قدرت در خانواده) نیز در جدول شماره (۷) انعکاس یافته است. مقدار $R=0/173$ بیان‌گر رابطه‌ی ضعیف میان دو متغیر میزان تحصیلات همسر و ساخت قدرت است. متغیر مستقل $0/30$ درصد از واریانس متغیر وابسته را در جمعیت نمونه تعیین می‌کند. از سوی دیگر، در جامعه‌ی آماری نیز $2/7$ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط متغیر میزان تحصیلات همسر قابل تبیین است. جهت رابطه معکوس، شدت رابطه ضعیف و در سطح $P=0/002$ معنادار است. به عبارتی، با افزایش میزان تحصیلات همسر، ساخت قدرت کمتر صیغه دموکراتیک دارد.

مطالعه‌ی ساختار قدرت در خانواده (مطالعه موردی: شهر لار) ۱۱۹

فرضیه‌ی نهم، رابطه بین درآمد همسر و قدرت در خانواده است. میزان همبستگی این متغیر با ساخت قدرت در خانواده ۰/۰۴۸ است. جهت رابطه، معکوس و شدت رابطه ناچیز است. این رابطه به لحاظ آماری معنادار نیست.

فرضیه‌ی دهم این مطالعه، رابطه بین بعد خانوار و ساخت قدرت در خانواده است. نتایج گویای آن است که بعد خانوار رابطه‌ای نسبتاً ضعیف با ساخت قدرت دارد ($R=0/176$) با توجه به مقدار $R^2=0/31$ ، بعد خانوار تنها ۳/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را در نمونه تبیین می‌کند که این میزان برای کل جامعه‌ی آماری ۲/۸ درصد است. جهت رابطه، مثبت و در سطح $P=0/002$ معنادار است. به عبارتی؛ در خانواده‌هایی که تعداد اعضای بیشتری دارند، ساخت قدرت بیشتر صبغه دموکراتیک دارد.

جدول (۷): آزمون رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (ساخت قدرت در خانواده)

نام متغیر	آزمون	R	R ²	Adj.R ²	اشتباه استاندارد	ضریب B	بتا	مقدار F	Sig
سن ازدواج	-/110	0/012	-/009	7/08	-/209	-/110	3/70	0/055	
طول مدت ازدواج	0/200	0/040	0/037	6/98	0/174	0/200	12/67	0/000	
تحصیلات زن	-/228	0/052	-/049	6/94	-/525	-/228	16/76	0/000	
درآمد زن	0/339	0/108	0/100	6/43	-/417	0/339	13/11	0/000	
تحصیلات همسر	-/173	0/30	-/027	7/02	-/337	-/173	9/37	0/002	
درآمد همسر	0/048	0/002	-/001	7/12	-/128	-/048	0/701	0/403	
بعد خانوار	0/176	0/031	0/028	7/01	0/839	0/176	9/69	0/002	

تحلیل چندمتغیره

در جدول شماره (۸) با استفاده از معادله‌ی رگرسیون چندمتغیره‌ی استاندارد به روش هم‌زمان، به تبیین متغیر وابسته (ساخت قدرت در خانواده) پرداخته‌ایم. متغیرهایی که وارد معادله‌ی رگرسیون چندمتغیره شده‌اند، دو متغیر بوده‌اند که در جدول مشخص هستند. در رگرسیون چندمتغیره‌ی استاندارد، تمامی متغیرها به‌طور هم‌زمان وارد معادله می‌شوند و هر متغیر (جدا از دیگر متغیرها) بر اساس این سنجیده می‌شود که چه مقدار از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کند (آلیستر، ۲۰۰۲: ۱۸۵). همان‌گونه که در جدول دیده می‌شود

۱۲۰ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹

متغیرهای مدل در نهایت توانسته‌اند ۲۶/۴ درصد ($R=0/264$) از واریانس متغیر وابسته را در نمونه و ۶/۹ درصد ($R^2=0/069$) از واریانس متغیر وابسته را در جامعه‌ی آماری تبیین کند.

با توجه به مقادیر Beta برای هر کدام از متغیرها در جدول، مشخص می‌شود که از میان متغیرهایی که رابطه‌ای معنادار داشته‌اند متغیر تحصیلات زن دارای جهت معکوس و منفی و متغیر شغل زن دارای رابطه‌ای مستقیم و مثبت با متغیر وابسته هستند. مقادیر T و سطوح معناداری معادله‌ی چندمتغیره نشان می‌دهد که متغیرها در سطح ۹۹ درصد معنادار هستند. همچنین مقدار بسیار بالای $F=16/76$ و سطح معناداری آن $Sig=0/000$ نشان می‌دهد که رابطه‌ی همه‌ی متغیرها با متغیر وابسته معنادار است.

جدول (۸): عناصر اصلی تحلیل چندمتغیره برای پیش‌بینی متغیر وابسته

نام متغیر	آزمون	R	R ²	Adj.R ²	اشتباه استاندارد	F	Sig
تحصیلات زن	۰/۲۲۸	۰/۰۵۲	۰/۰۴۹	۶/۹۴	۱۶/۷۶	۰/۰۰۰	
شغل زن	۰/۲۶۴	۰/۰۶۹	۰/۰۶۳	۶/۸۸	۱۱/۳۴	۰/۰۰۰	

جدول (۹): عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی متغیر وابسته

نام متغیر	آزمون	B	بتا	مقدار	Sig
تحصیلات زن	۰/۵۲۵	-۰/۲۲۸	-۰/۲۲۸	-۴/۰۹	۰/۰۰۰
شغل زن	۲/۹۹	۰/۱۳۶	۰/۱۳۶	۲/۳۸	۰/۰۱۸

A=۶۸/۲۱

F=۱۶/۷۶

Sig=۰/۰۰۰

نتیجه‌گیری

مطالعه‌ی حاضر، با هدف مطالعه توزیع قدرت در خانواده از دید زنان و عوامل مؤثر بر آن صورت گرفت. به همین منظور، با استفاده از نظریه‌ها و تحقیقات انجام‌شده از سوی سایر محققان، تعداد ده متغیر مستقل در قالب تعدادی فرضیه طرح شد و سپس، متغیرها در قالب یک پرسش‌نامه در اختیار نمونه‌ی مورد مطالعه - شامل ۳۰۷ نفر از زنان متأهل ساکن شهر لار - قرار گرفت که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از مناطق مختلف شهر انتخاب شده بودند. سپس، داده‌های گردآوری شده به‌منظور

مطالعه‌ی ساختار قدرت در خانواده (مطالعه موردی: شهر لار) ۱۲۱

آزمون فرضیات در سطوح تحلیل شامل معادله‌ی رگرسیونی، مقایسه‌ی میانگین و تحلیل واریانس یک-طرفه مطالعه شدند و نتایج زیر به‌دست آمد.

با توجه به آمار توصیفی، نمونه‌ی ما شامل ۳۰۷ نفر زن متأهل ساکن شهر لار بود که حدود ۷۸/۲ درصد از این افراد، خانه‌دار و ۲۱/۸ درصد شاغل بودند. از لحاظ سواد و تحصیلات نیز بیشترین تعداد یعنی ۵۰/۸ درصد دارای سطوح تحصیلی دیپلم و فوق دیپلم، ۱۷/۶ درصد نیز دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر بودند و ۳۱/۶ درصد نیز در سطح ابتدایی تا راهنمایی قرار داشتند. هم‌چنین بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از یافته‌های این پژوهش، ۲ درصد خانواده‌ها ساخت دموکراتیک دارند، ۸۸/۶ درصد تا حدی دارای ساخت دموکراتیک‌اند و در ۹/۴ درصد خانواده‌ها ساخت غیر دموکراتیک حاکم است.

از بین متغیرهایی که به روش رگرسیون تجزیه و تحلیل کردیم، متغیر سن ازدواج با ساخت قدرت در خانواده رابطه‌ای معنادار داشته است. متغیر دیگر که به روش رگرسیون تجزیه و تحلیل شد میزان تحصیلات زنان بود که رابطه‌ای معنادار با قدرت داشته است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، زنانی که از سطوح تحصیلی بالاتری برخوردار بودند، در تصمیم‌گیری‌های درون خانواده نیز مشارکت و نقش بیشتری داشتند. این نتیجه گویای آن است که تحصیلات می‌تواند هم به‌عنوان یک منبع قدرت عمل کند و به افزایش اقتدار زن در خانواده منجر شود و در نهایت، تعدیل ساخت قدرت مبتنی بر مردسالاری را در پی داشته باشد. تحصیلات همسر یکی دیگر از متغیرهایی بود که به روش رگرسیون بررسی شد. بر اساس یافته‌های این تحقیق، بین میزان تحصیلات همسر و ساخت قدرت در خانواده رابطه‌ای معنادار وجود داشته است. بدین ترتیب که میان تحصیلات مرد و اعمال قدرت او در خانواده رابطه‌ای معنادار و منفی مشاهده شد. به بیان دیگر، با افزایش سطح تحصیلات مردان، اعمال قدرت آن‌ها در خانواده کاهش می‌یافت و زنان برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها بیشتر اجازه می‌یابند. بنابراین می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که تحصیلات مردان یکی از متغیرهای تأثیرگذار در تعدیل ساخت قدرت مبتنی بر مردسالاری است به‌ویژه زمانی که زن و مرد هر دو از سطوح تحصیلی بالا برخوردار باشند.

متغیر دیگری که به روش رگرسیون تجزیه و تحلیل شد، رابطه‌ی درآمد همسر و ساخت قدرت در خانواده بود. بر اساس یافته‌های این تحقیق، بین درآمد همسر و قدرت در خانواده رابطه‌ای معنادار وجود نداشته است. درآمد زن متغیر دیگری است که به روش رگرسیون بررسی شد. یافته‌های این تحقیق نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی معنادار بین درآمد زن و ساختار قدرت در خانواده و در سطح بیش از ۹۹ درصد این رابطه تأیید شده است.

طول مدت ازدواج نیز یکی دیگر از متغیرهایی بود که با ساختار قدرت در خانواده رابطه‌ای معنادار را نشان داد. از دیگر متغیرهایی که به روش رگرسیون تجزیه و تحلیل شد، رابطه‌ی بین بعد خانوار و ساختار قدرت در خانواده بود. بر اساس یافته‌های این تحقیق، بین بعد خانوار و ساختار قدرت در خانواده رابطه‌ای معنادار وجود داشته است. همچنین میان نوع شغل زنان و نوع شغل همسرانشان با ساختار قدرت در خانواده رابطه‌ای معنادار وجود نداشته است.

از متغیرهایی که در این تحقیق به روش مقایسه‌ی میانگین آزمودیم، وضعیت اشتغال زنان است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، بین وضعیت اشتغال زنان و ساختار قدرت در خانواده رابطه‌ای معنادار وجود داشت. تفاوت میانگین ساختار قدرت در خانواده بر حسب وضعیت اشتغال نشان می‌دهد که ساختار قدرت در خانواده‌های زنانی که شاغل‌اند به نسبت زنانی که شاغل نیستند دموکراتیک‌تر است.

به‌طور کلی، با استفاده از رگرسیون چندمتغیره به‌شیوه‌ی مرحله‌به‌مرحله مشخص شد که دو متغیر بیشترین تأثیر را بر ساختار قدرت در خانواده دارند. این دو متغیر که در دو مرحله وارد معادله شدند عبارتند از: ۱- تحصیلات زنان و ۲- شغل زن. در مجموع، دو متغیر یادشده توانستند ۶/۹ درصد از متغیر وابسته را تبیین نمایند. میزان همبستگی نیز $R=0/۲۶۴$ به‌دست آمد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، تحصیلات بیشترین سهم را در پیش‌بینی واریانس متغیر وابسته داشته است. تحصیلات علاوه بر این که به‌عنوان یک متغیر فرهنگی قادر است سطح آگاهی‌ها و توانایی‌های فکری آن‌ها را افزایش دهد و آن‌ها را نسبت به حقوق و امتیازات خویش آگاه کند، در عین حال می‌تواند از طریق ارائه‌ی پاداش‌های مادی، به‌عنوان یک منبع قدرت عمل کند و موقعیت و جای‌گاه آن‌ها را در خانواده و جامعه بهبود بخشد. در کنار تحصیلات، اشتغال نیز از طریق فراهم آوردن استقلال مالی برای زنان نقشی مهم در تثبیت موقعیت آنان دارد.

پیشنهادات تحقیق

برای این که خانواده‌ها دموکراتیک‌تر شوند تغییر در شناخت مردان از اهمیت نقش همسر در تصمیم‌گیری‌های خانواده ضروری است. دموکراتیک‌تر شدن خانواده یک فرایند است و به زمان تشکیل خانواده بر نمی‌گردد. در این میان، خانواده‌ی اصلی، آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی نقش اساسی در دموکراتیک یا استبدادی شدن خانواده‌های فعلی دارند. بنابراین برای تغییر تصورات زنان از نقش خود و تصور مردان از نقش زنان، باید این نهادها گام اساسی را بردارند.

مطالعه‌ی ساختار قدرت در خانواده (مطالعه موردی: شهر لار) ۱۲۳

حوزه‌های قدرت زن و مرد در خانواده مشخص شود. اگر زوجها یک شناخت صحیح از حوزه‌هایی داشته باشند که «قلمرو و حوزه‌ی قدرت زن و مرد» نامیده شده‌اند، تعادل تصمیم‌گیری در خانواده کمتر به هم می‌خورد.

از آن‌جا که زنان با وارد شدن به دنیای کار سبب می‌شوند که مردان به‌تنهایی بار سنگین کسب درآمد و نان‌آوری خانواده را به دوش نکشند، بنابراین مشارکت مردان در وظایف خانگی نیز مطلوب است. برای این کار، تغییر در نگرش جامعه به کارهای خانگی به‌عنوان امری سخیف و این موضوع که وظایف خانه، مسئولیت و وظیفه‌ی زن است، ضروری به نظر می‌رسد. هم‌چنین در این بین رسانه‌های جمعی و آموزش و پرورش می‌توانند نقشی مؤثر داشته باشند.

دین اسلام درباره‌ی مشارکت زن و مرد نکات بسیار دارد که باید از آن‌ها برای تقویت و استحکام هر چه دموکراتیک‌تر شدن خانواده‌ها استفاده شود. به نظر می‌رسد در همین زمینه، انجام پژوهش‌هایی در مناطق مختلف کشور و به‌ویژه با در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و باورهای متفاوت اقوام مختلف، می‌تواند امکان مقایسه در سطحی وسیع‌تر را فراهم آورد.

منابع

- Abbott, p; Wallace, c** (1993) *Sociology (Feminist Perspective)* Routledge, London.
- Alistair, W.K., Howard, H. & Stephen, A.K** (2002) *Doing Statistics With SPSS*, London: Sage Publication.
- Biri, El; Waheshy, P; Brian ,F ;and Garland, T** (1991) "An analysis of the Correlates of Mens Attitude Toward Womens Roles in Libya". *International journal of Sociology of the Family* , Vol.21.pp.129-144.
- Blood, R. O& Wolf, D** (1960) *Husband and Wives*, Glencoe Illinois; the free Press.
- Blood, R** (1969) *Marriage*. new York; the free press.
- Bluman, J** (1984) *Gender Roles & Power*. New York; Prentice Hall.
- Browne, K** (1994) *Sociology*. London; Polity Press.
- Enayat,H** (1898) "The Effect Mother Employment on Family Relationship in Shiraz City", M.A.thesis,shiraz, shiraz University.
- Fox, G.J** (1973) Another Look at the comparative resource model: Assessing the balance of power in Turkish families. *Journal of Marriage and the family*, Vol.35,pp.718-730.

- Franks, D.D** (1972) Role-Taking & Power in Social Psychology. American Sociological Review, Vol.37. pp.605-614.
- Giddens, A** (1994) Sociology, Translation: Manuchehr Saburi, Tehran: Ney Issue.
- Horton & Hunt** (1972) Sociology. New York; McGraw Hill.
- Isvan, N.A** (1991) "Productive & Reproductive Decisions in Turkey: the role of Domestic Bargaining". Journal of Marriage & the Family, Vol.53, No.4, pp.1057-1070.
- Lenski, G & Lenski, J** (1990) Human Society, Translation: Naser Movafagheian, Tehran: Amuzesh Enghelab Eslami Issue.
- Michel, A** (1975). Family Sociology and Marriage, Tehran: Ardalan Issue.
- Mojarrab, R** (2002) The Research of the Power Relationship in the Family (the Case Study: Ghoshchi City, Azarbayejan gharbi). M.A. thesis. Tehran: Tehran University, Social Science College.
- Sabini, J** (1995) Social Psychology. Norton. New York
- Saha, T.D** (1994) Social Change, omens Positions and Decision Making in Family: A micro investigation for Bangladesh. Sociological Abstract.
- Sarukhani, B** (1995) Family Sociology, Tehran, Etelaat Issue.
- Segalen, M** (1991) Family Historic Sociology, Translation: Hamid Elyasi, Tehran: Markaz Issue.
- Turner, J.H** (1983) The Structure of Sociological Theory. New York; Wads Worth Publishing co.
- Wallace, R.A & Wolf, A** (1986) Contemporary Sociology Theory. New York; Prentice Hall.
- Weber, M** (1994) Economy and Society, Translation: Abbas Manuchehr & et al, Mola Issue.
- Wiggins, J.A. et al** (1994) Social Psychology. New York; McGraw Hill.
- Zolfagharpur, M. Hoseinian, S & Yazdi, M** (2004) The Survey Relationship between Power Structure in Family With Marital Satisfaction Household and Employee Womens in Tehran City, Counseling Research & Developments, vol.3, No.11, Fall, Tehran, pp 31-46.